

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

تحلیل فقهی حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی

تغلیظ دیه

استاد راهنما:

دکتر محمد علی راغبی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد جواد وزیری فرد

نگارنده:

سید حسن مرتضوی راد

بهار (۱۳۸۷)

کتابخانه تخصصی حقوق اسلامی
دانشگاه قم

۱۳۸۷ / ۱۶ / ۲۳

۱۰۴۶۵۳



بررسی

تاریخ: ۸۷/۴/۲۰

شماره: ۱۲۲۳۲

پیوست:

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه آقای: سید حسن مرتضوی راد

رشته: فقه و مبانی حقوق اسلامی

تحت عنوان: تحلیل فقهی حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی (تغلیظ دیه)

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۷/۴/۲۰ تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد

با درجه: عالی بسیار خوب خوب قابل قبول دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
محمد علی راغبی	استاد راهنما	مربی	
سید محمد جواد وزیری فرد	استاد مشاور	استادیار	
سید علی اصغر موسوی رکنی	استاد ناظر	استادیار	
محسن برهانی	استاد ناظر	مربی	
عسگر دیرباز	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء:

بانی:

قم، جاده قدیم اصفهان،

دانشگاه قم

پست: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱

تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱

دورنویس:

نت آموزشی ۲۸۵۵۶۸۴

نت اداری ۲۸۵۵۶۸۶

نت دانشجویی ۲۸۵۵۶۸۸

الهی ابواب فیض به روی خاص و حام کثودی و قیمت هر ذره ای از ذرات مخلوقات را در ظرف قابلیتش نهادی و از
میان مخلوقات انسان را تشریف خدمت دادی، پاس بی قیاس تو را سزااست و شکر بی اندازه تو را رواست.

تقدیم به:

دو نعمت بی بدیل زندگی؛

تقدیم به تو ای مادر، ای کهکشان عشق و عطوفت،

و تو ای پدر، ای تکیه گاه امید

و تقدیم به:

روح بلند و بی کران استوانه استقامت و تندیس پایمردی شهید سید حمید مرتضوی راد

تقدیر و تشکر:

سپاس ایزدمنان را که از جرعه نوشان کوثر ولایتم ساخت سپاس یکتای بی همتایی را که خوشه چین ناقابل دریای بی کران معارف اهل بیت قرارم داد.

تشکر و سپاس از پدر و مادر مهربانی که با تحمل مشقات از خزان حوادث محافظتم نمودند.

سپاس از استادان صبور و بردبارم جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی راغبی و حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمدجواد وزیری فرد، که از محضر وجودشان چه در کلاس درس و چه در نگارش این تحقیق، کسب فیض نمودم، طول عمر این دو بزرگوار را جهت خدمت افزون تر به دانشجویان و طالبان علم، از خداوند منان خواستارم.

سلام و صلوات به روح پاک شهیدانی که تلاش امروز ما، مدیون مجاهدتهای دیروز آنان است.

چکیده:

این پایان نامه به بررسی فقهی حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی و به تعبیر فقها تغلیظ دیه می پردازد. تغلیظ دیه، افزایش مقدار دیه به میزان یک سوم بر دیه کامل است. تغلیظ در صورتی است که صدمه و فوت در یکی از ماههای حرام یا در حرم مکه معظمه انجام شود. چنانکه ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی به پیروی از نظر مشهور فقها مقرر داشته که هرگاه جنایت اعم از عمد، شبه عمد و خطای محض در یکی از ماههای حرام (رجب، ذیقعدة، ذیحجه و محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود باید علاوه بر دیه کامل، ثلث را هم به عنوان تغلیظ ادا کند. بنابراین ارتکاب قتل در این ماهها و حرم مکه معظمه موجب بیشتر شدن مبلغ دیه می شود. اما اینکه قتل خطای محض نیز مشمول حکم تغلیظ دیه می شود یا نه و نیز حکم قتل در حرم مکه را می توان به حکم قتل در غیر حرم تسری داد یا خیر، رویه قضایی در این زمینه، بیان مبانی تغلیظ دیه، مستندات فقهی و روایی این حکم و تحلیل ابعاد مختلف این موضوع از دیدگاه فقها و حقوقدانان، اهم مباحثی است که در این رساله بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: تغلیظ، دیه، ماههای حرام، رویه قضایی.

فهرست مطالب

.....	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱.....	مقدمه
۲.....	بیان مسأله
۳.....	سؤالات تحقیق
۳.....	فرضیه‌ها
۳.....	پیشینه تحقیق
۴.....	ضرورت تحقیق
۴.....	روش تحقیق
۴.....	موانع تحقیق
۵.....	اصطلاحات تحقیق
۸.....	مبحث اول- تعاریف و مفاهیم
۸.....	گفتار اول- مفهوم تغلیظ و دیه
۸.....	بند اول: دیه
۸.....	۱. تعریف لغوی
۹.....	۲. تعریف فقهی
۱۱.....	۳. تعریف حقوقی
۱۲.....	بند دوم: تغلیظ
۱۲.....	۱. تعریف لغوی
۱۲.....	۲. تعریف حقوقی
۱۲.....	گفتار دوم: ماهیت دیه
۱۳.....	بند اول: ماهیت جزایی
۱۷.....	بند دوم: ماهیت غیر جزایی
۱۹.....	بند سوم: ماهیت تلفیقی
۲۲.....	تفکیک در ماهیت دیات
۲۴.....	گفتار سوم: پیشینه تاریخی
۲۷.....	فصل دوم: ارکان تغلیظ دیه
۲۸.....	مبحث اول: مبانی تغلیظ دیه

۲۹	گفتار اول: تغلیظ دیه در آیات قرآن
۲۹	بند اول: سوره بقره
۳۳	بند دوم: سوره مائده
۳۷	بند سوم: سوره توبه
۵۱	گفتار دوم: تغلیظ دیه در روایات
۵۱	بند اول: روایت محمد بن یعقوب
۵۴	بند دوم: روایت زراره عن ابی عبدالله
۵۵	بند سوم: روایت محمد بن الحسن
۵۷	گفتار سوم: اجماع فقهای شیعه
۶۱	گفتار چهارم: سیره عقلاء
۶۱	بند اول: اهمیت انجام مراسم عبادی
۶۲	بند دوم: برقراری امنیت اجتماعی
۶۴	مبحث دوم: شرایط اختصاصی تغلیظ دیه
۶۴	گفتار اول: وقوع جنایت از نوع قتل
۶۶	گفتار دوم: وقوع قتل در یکی از ماههای حرام
۶۷	گفتار سوم: وقوع قتل در حریم حرم
۶۸	مبحث سوم: موارد تغلیظ دیه
۶۸	گفتار اول: ماههای حرام
۶۸	گفتار دوم: حرم مکه معظمه
۷۱	فصل سوم: مجاری تغلیظ
۷۵	مبحث اول: تغلیظ دیه در قتل عمدی
۷۶	گفتار اول: ماهیت حق قصاص
۷۹	گفتار دوم: تغلیظ دیه در موارد مصالحه
۸۳	گفتار سوم: تغلیظ در قتل عمدی اقارب
۸۵	گفتار چهارم: تغلیظ در قتل غیرمسلمان
۸۶	گفتار پنجم: امکان تغلیظ برای استیفای حق قصاص
۸۸	مبحث دوم: تغلیظ دیه در قتل شبه عمد
۹۲	مبحث سوم: تغلیظ دیه در قتل خطایی

۹۸	فصل چهارم: احکام تغلیظ دیه
۹۹	مبحث اول: تسری احکام تغلیظ دیه
۱۰۰	گفتار اول: ادله موافقان
۱۰۰	بند اول: تفسیر موسع
۱۰۱	بند دوم: قیاس
۱۰۲	بند سوم: ابناء بر مبانی وضع تغلیظ دیه
۱۰۳	گفتار دوم: ادله مخالفان
۱۰۳	بند اول: اصل براءت
۱۰۳	بند دوم: تفسیر مضیق
۱۰۴	بند سوم: اصل تفسیر به نفع متهم
۱۰۵	بند چهارم: استثنائی بودن حکم
۱۰۶	بند پنجم: رد اجتهاد در مقابل نص
۱۰۸	مبحث دوم: میزان تغلیظ دیه
۱۰۸	گفتار اول: بررسی انواع دیه
۱۰۸	بند اول: انواع دیه در فقه اسلامی
۱۱۹	بند دوم: انواع دیه در عصر کنونی
۱۲۵	گفتار دوم: احتساب تغلیظ دیه
۱۲۵	بند اول: احتساب تغلیظ در پرداخت اعیان
۱۲۶	بند دوم: احتساب تغلیظ در پرداخت قیمت اعیان
۱۳۰	مبحث دوم: مؤدیان تغلیظ دیه
۱۳۰	گفتار اول: جانی
۱۳۱	بند اول: پرداخت مستقیم از سوی جانی
۱۳۳	بند دوم: پرداخت توسط شرکتهای بیمه
۱۳۹	بند سوم: پرداخت توسط عاقله
۱۴۲	گفتار دوم: صندوق تأمین خسارتهای بدنی
۱۴۵	گفتار سوم: بیت المال
۱۴۵	بند اول: دیدگاه طرفداران تغلیظ دیه نسبت به بیت المال (دولت اسلامی)
۱۵۱	بند دوم: دیدگاه مخالفین پرداخت تغلیظ دیه توسط بیت المال (دولت اسلامی)
۱۵۲	بند سوم: دیدگاه قانونگذار
۱۵۴	بند چهارم: نحوه پرداخت

۱۵۶.....	مبحث چهارم: مهلت پرداخت ثلث مغلظ
۱۵۸.....	مبحث پنجم: اجتماع دو سبب تغلیظ
۱۵۹.....	گفتار اول: دلایل مخالفین
۱۶۰.....	گفتار دوم: دلایل موافقین
۱۶۲.....	فصل پنجم: موانع تحقق تغلیظ دیه
۱۶۵.....	مبحث اول: سقوط تغلیظ دیه
۱۶۸.....	مبحث دوم: اسقاط تغلیظ دیه
۱۶۸.....	گفتار اول: عفو مجنی علیه
۱۶۹.....	گفتار دوم: صلح
۱۷۰.....	بند اول: بدل صلح
۱۷۱.....	بند دوم: صور صلح
۱۷۱.....	بند سوم: تمایز عفو با صلح
۱۷۳.....	خاتمه
۱۷۳.....	نتیجه گیری
۱۷۳.....	توصیه ها
۱۷۳.....	پیشنهادات
۱۷۷.....	ضمائم
۱۷۷.....	رویه قضایی
۱۷۷.....	استفتائات مراجع عظام
۱۹۲.....	فهرست منابع و مآخذ
۲۰۲.....	چکیده انگلیسی

فصل اول: کلیات و مفاهیم

جوامع بشری جهت ایجاد و حفظ نظم و امنیت، نیازمند قانون هستند و این قوانین عموماً پرداخته دست انسان‌هاست، چه بسا در جامعه‌ای - بدون در نظر گرفتن عدالت و مساوات - قانون به نفع عده خاص وضع شود و عده دیگر مظلوم واقع شوند، اما قانونی که تأمین کننده سعادت بشر بوده و عدالت را در همه قرون و اعصار و بین جوامع ملت‌های مختلف رعایت کند و همگان را یکسان ببیند و ضررهای مادی و معنوی جامعه را جبران کند و سبب انس و الفت بین انسان‌ها شود، قانون الهی است که از ناحیه خالق انسان‌ها بر رسولش نازل گردیده و به وسیله پیامبرش به انسان‌ها ابلاغ شده که موجب آسایش خاطر انسان‌ها می‌شود.

قانون دیات، قانونی است که حافظ جامعه و تأمین کننده صلح و سازش بین طرفین دعواست و از جمله احکام الهی است که شارع مقدس آن را جهت محافظت و حراست از افراد جامعه و جبران خسارت‌های وارده در مقابل جرایم ضرب و جرح و قتل تشریح فرموده که کینه و کدورت را از قلب‌ها می‌زداید و سبب جلب رضای خدا نیز می‌شود.

در حقوق غیر اسلامی، نهادی به نام دیه وجود ندارد و در صورت ورود خسارت و کاستی بر تمامیت جسمی شخصی او می‌تواند خواستار جبران تمام خسارت‌های ناشی از این نقصان از قبیل هزینه درمان و ... شود. ولی در فقه اسلامی نهادی به نام دیه وجود دارد که خسارت‌های وارده را جبران می‌کند و موجب التیام آلام زیان دیده و تشفی خاطر آنهاست.

محور اصلی بحث را موضوع افزایش مقدار دیه به میزان یک سوم دیه کامل در ماههای حرام یا حرم مکه معظمه به خود اختصاص داده. موضوعی که در کتب فقهی از آن تعبیر به «تغلیظ دیه» می‌شود. چنانکه ماده ۲۹۹ ق.م.ا به تبعیت از نظر مشهور در این زمینه مقرر داشته: "دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، ذیقعده، ذیحجه و محرم) و یا در حرم مکه معظمه واقع شود، علاوه بر یکی از مواد شش گانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات، باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند."

هر چند تغلیظ در ماه‌های حرام مورد اتفاق فقهای امامیه است و مبتنی بر روایات بسیاری است که از طریق ائمه معصومین در این زمینه وارد شده است. لیکن در مورد تغلیظ به دلیل ارتکاب جرم در جرم مکه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و دلیل این اختلاف روایتی است

که زراره از امام نقل کرده^۱ که در این روایت واژه «حرم» به دو صورت قرائت شده و در نتیجه در بردارنده دو معنی است. کسانی که واژه «الحرم» را در این روایت به ضم دو حرف اول و دوم یعنی «الحُرْم» می‌خوانند این کلمه را جمع حرام و به معنی ماههای حرام می‌دانند. و معتقدند که این روایت سخن تازه‌ایی جز تأکید بر تغلیظ دیه در صورت ارتکاب قتل در یکی از ماههای حرام ندارد. بر عکس کسانی که واژه «الحرم» را به فتح دو حرف اول و دوم به صورت «الحَرَم» می‌خوانند، معتقدند که این روایت دلالت بر تغلیظ دیه در صورت ارتکاب قتل در حرم مکه دارد.

بنابر این از آنجا که حکم تغلیظ دیه در ماههای حرام یا حرم مکه معظمه در عرف جامعه اسلامی عصر حاضر، حکمی نامأنوس و پذیرش آن برای اکثر افراد مشکل است. لزوم بازنگری دوباره به ادله این حکم، با توجه به جو حاکم بر جامعه ما احساس می‌گردد.

بیان مسأله

واژه «تغلیظ» در لغت به معنای تشدید کردن و تأکید کردن و غلیظ کردن است و در اصطلاح افزودن یک سوم بر دیه کامل است. در صورتی که شخصی، کسی را در یکی از ماههای حرام یا حرم مکه به قتل رساند تغلیظ در باب دیات به دو معنا به کار رفته است:

۱- تغلیظ در اوصاف ۲- تغلیظ در مقدار.

اینکه دیه در قتل عمد و شبه عمد نسبت به خطای محض تغلیظ می‌شود، تغلیظ از جهت سن شتران دیه و زمان استیفای آن است نه از جهت مقدار و زمانی که از تغلیظ در باب قتل است که در ماههای حرام یا حرم مکه سخن می‌رود، تغلیظ از جهت مقدار دیه است که یک سوم به آن اضافه می‌شود. چنانکه ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم) و یا در حرم مکه واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷، به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود...».

این افزایش مقدار دیه در ماههای حرام و حرم مکه، موضوعی است که کتابهای فقهی از آن تعبیر به «تغلیظ دیه» می‌کنند و قانون به تبعیت از نظر مشهور فقها در ماده ۲۹۹ ق.م.ا تغلیظ دیه را مطرح کرده و قائلند به اینکه قتل در حرم مکه و ماههای حرام موجب افزایش دیه، به

^۱ عن زرارة قال: «قلت لأبي جعفر عليه السلام: رجل قتل رجلاً في الحرم؟ قال: عليه دية و نلت...» محمد بن الحسن الحر الماملي.

وسائل الشيعه التي تحصيل مسائل الشريعة (بيروت: دار الاحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۸۰).

مقدار یک سوم علاوه بر دیه کامل می‌باشد.

سوالات تحقیق

- ۱- مبانی تغلیظ دیه چیست؟
- ۲- شرایط تغلیظ دیه چیست؟
- ۳- آیا ارتکاب سایر جرایم غیر از قتل، در ماه‌های حرام باعث تشدید مجازات می‌شود؟
- ۴- آیا تغلیظ دیه مختص قتل عمد و شبه عمد است یا خطای محض را هم شامل می‌شود؟

فرضیه‌ها

- ۱- مبانی تغلیظ دیه عبارتست از آیات و روایاتی که به اطلاق خود بر تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکه معظمه دلالت دارند.
- ۲- وقوع قتل در یکی از ماه‌های حرام یا حرم مکه از جمله شرایط تغلیظ دیه است.
- ۳- تشدید مجازات از نظر زیادت دیه در سایر جرایم غیر از قتل ثابت نیست.
- ۴- تغلیظ دیه اختصاص به قتل عمد و شبه عمد ندارد و در خطای محض نیز جاری است.

پیشینه تحقیق

تا کنون تحقیقی که به صورت منسجم در بردارنده تحلیل فقهی، حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی و به تعبیر فقها «تغلیظ دیه» باشد، وجود نداشته و یا حداقل نگارنده علیرغم تفحص، موفق به یافتن آن نشده است. در موضوع دیه - که غالباً در بحث کلیات قابل استفاده است - کتابهایی تألیف گردیده، اما هیچ یک از این کتب به بررسی فقهی و حقوقی ماده ی ۲۹۹ ق.م.ا «تغلیظ دیه» پرداخته و حداکثر اشاره ایی گذرا به آن داشته اند.

قابل ذکر است که مقالاتی در این زمینه به چشم می‌خورد، از جمله آن می‌توان به مقاله حمید مسجدسرایبی تحت عنوان تحلیل فقهی، حقوقی ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی «تغلیظ دیه» و مقاله ی آیت ا... محمدهادی معرفت تحت عنوان جنایت عمد در ماه‌های حرام اشاره نمود.

ضرورت تحقیق

انجام هرگونه تحقیق علمی و کاربردی باید براساس ضرورت هایی باشد که آن را ایجاب می کند و از آنجا که تأسیس هرامر حقوقی در نظام قضایی یک کشور، به طور معمول، هنگام اجرا دچار مشکلات و ابهاماتی می گردد که گذشت زمان و انجام تحقیقات نظری و عملی پیرامون موضوع و رویه های قضایی مبتنی برآن، در حل آنها کمک شایانی می کند و نیز از آنجایی که حکم تغلیظ دیه در ماههای حرام یا حرم مکه معظمه در عصر کنونی، حکمی نامأنوس و پذیرش آن برای اکثر افراد مشکل است لذا بازنگری دوباره ادله این حکم، با توجه به جو حاکم بر جامعه ما، احساس می شود و در مجموع ضرورت بررسی این موضوع را ایجاب می نماید.

روش تحقیق

تحقیق مزبور، تحقیقی است بنیادی و با مراجعه به کتابخانه های گوناگون و دسترسی به منابع اولیه مطالب آن در گام اول فیش برداری شده است با اتمام کار فیش برداری، فیش های جمع آوری شده در قالب فصول و مباحث های مختلف مرتب گردید و در سایه ی راهنمایی های اساتید راهنما و مشاور مباحث رساله تدوین شد.

کتابخانه های مختلفی که به آنها مراجعه شد عبارتند از:

- ۱- کتابخانه تخصصی فقه و اصول (محقق طباطبایی)
- ۲- کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
- ۳- کتابخانه دانشگاه پردیس قم
- ۴- کتابخانه دانشگاه قم

موانع تحقیق

به عقیده نگارنده مهم ترین موانع در امر تهیه و تدوین پایان نامه از یک سو کمبود منابع حقوقی و از سوی دیگر منابع فقهی به زبان عربی بوده که مستلزم ترجمه آن متون بود. بنابر این به برخی از موانع به صورت فهرست وار اشاره می کنیم.

- ۱- کمبود تحقیقات جامع در این خصوص در جامعه حقوقی و فقهی
- ۲- دشواری دسترسی به کتب تخصصی به دلیل بعد مسافت.
- ۳- دشواری دسترسی به اساتید برجسته و خبره در استان محل سکونت.

اصطلاحات تحقیق

فقه

کلمه ی فقه در لغت به معنای زیر آمده است:

علم دین^۱، علم به احکام شریعت، فهمیدن، خوب فهمیدن.^۲

اما کلمه فقه در اصطلاح به دو معنی وارد شده است؛

الف) علم به احکام شرعیه فرعیه از روی ادله تفصیلیه^۳

ب) مجموعه ای که مشتمل بر احکام و مسائل شرعی عملی (خواه قطعی باشد یا ظنی) و مستنبطات مجتهدین و اقوال صحیحه و اقوال راجحه و اقوال غیر صحیحه و مرجوحه و ضعیفه می باشد.^۴

فقه در معنی عام، علم به شرع است و در معنی خاص علم به اصول عقاید (فقه الاکبر) و علم به فروع (فقه الاصغر) می باشد.

حقوق

معنای لغوی حقوق

حقوق جمع حق است و به معنای راستی ها و درستی ها، املاک، اموال، شهریه ها بکار رفته است، حقوق در واقع سلطنت و تسلط استقلالی یا قراردادی و یا غیر قراردادی اشخاص بر اشخاص یا اشیاء است.^۵

معنای اصطلاحی حقوق

در تعریف این اصطلاح آمده است: مجموعه قواعد و مقررات الزام آور حقوقی که در یک زمان و در یک جامعه معین اجرا می شود.^۶

^۱ . خلیل بن احمد فراهیدی، ترتیب کتاب العین، به تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سائرائی (قم: اسوه، ۱۴۱۴ هـ. ق.) ج ۳، ص ۱۴۱۰.

^۲ . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، به تحقیق: صفوان عدنان داوودی (بیروت: دارالناشمیه، ۱۴۱۲ هـ. ق.) ص ۶۴۲؛ حسن بن زین الدین مکی عاملی، معالم الاصول، به تصحیح علی محمدی (قم: دارالفکر، ۱۳۷۴)، ص ۴۲.

^۳ - علی بن محمد جرجانی، التعرینات (مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۷۵)، ص ۱۴۷.

^۴ - مجلس الاعلی للسنن الاسلامیه، موسوعه فقه الاسلامی الشهبیره بنسوعه جمال عبدالناصر الفقیهیه (قاہرہ: [بی نا]، ۱۳۸۶ هـ. ق.)، ج ۱، ص ۱۰ به بعد.

^۵ - محمد معین، فرهنگ فارسی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۱۳۶۷.

^۶ - محمد حسین ساکت، دیباچه ایی بر دانش حقوق (مشهد: نشر نخست، ۱۳۷۱)، ص ۳۲۷.

قانون

معنای لغوی قانون

قانون در کتب لغت چنین معنا کرده اند:

۱- رسم، قاعده، روش، آیین؛

۲- امری است کلی که بر همه جزئیاتش منطبق می‌گردد و احکام جزئیات از آن شناخته می

شود؛

۳- قاعده‌ایی است که مقامات صلاحیت دار آن را وضع و ابلاغ می‌کنند.^۱

در لسان العرب آمده است:

قانون هر چیزی، راه و طریق سنجش آن است... و این کلمه عربی نیست.^۲

معنای اصطلاحی قانون

آن چه از معنای حقوقی قانون فهمیده می‌شود عبارت است از قواعد لازم الاجرا و دارای

ضمانت اجرایی مشخص در هر جامعه.

به عبارت دقیق تر، قانون به معنای عام کلمه، مجموع قواعد الزام آور مصوب مقامات

صلاحیت داراست و شامل تصویب نامه ها، آیین نامه ها،... می‌شود قانون به معنای خاص

کلمه، مفهوم فنی و مخصوص به خود دارد و در رژیم های مبتنی بر قانون اساسی به مفهوم

مصوبات پارلمان است.^۳

مجازات

معنای لغوی مجازات

واژه مجازات از باب «مفاعلة» و ریشه آن «جزی، یجزی، جزاء» است در کتب لغت به

معنای پاداش دادن، کیفر دادن، سزای عمل کسی رادادن و همچنین مکافات آمده است.^۴

ابوالهیشم گفته است که واژه جزاء و مجازات هم در پاداش و هم در کیفر و عذاب استعمال

می‌شود، زیرا معنای مقابله و تقابل می‌دهد.^۵ واژه مزبور در کتاب المنجد به معنای «مکافات

^۱ - محمد معین، پیشین، ج ۲، ص ۲۶.

^۲ ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن المنظور، لسان العرب، (قم: نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ هـ.ق) ج ۱۱، ص ۳۲۸.

^۳ سید محسن صدرزاده افشار، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (قم: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲)، ج ۱، ص ۵.

^۴ محمد معین، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۲۷.

^۵ محمد قریب، تبیین اللغات لتبیین الآیات یا فرهنگ لغات قرآن (بی جا: انتشارات بنیاد، ۱۳۶۶)، ص ۳۷۳.

کرد او را» آمده است.^۱

معنای حقوقی مجازات

واژه مجازات در معنای اعم عبارتست از؛ آزار نمودن کسی با یک نیت مستقیم، به گونه ایی که این آزار، با فعل و عملی که واقع شده یا فرو گذار گردیده متناسب باشد.^۲

در برابر معنای عام، مفهوم خاص یا اصطلاحی مجازات قرار دارد چنانکه مرحوم دکتر سمیعی در تعریف مجازات می نویسد:

«مجازات» مشتقی است که هیأت جامعه به سه منظور مهم بر مجرم تحمیل می کنند:

۱- تلافی و قصاص جامعه است از مجرم.

۲- اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم است.

۳- مصونیت جامعه است از افراد مجرم.^۳

بنابراین مجازات عبارتست از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می شود.

دکتر عبدالحسین علی آبادی می گوید:

«مفهوم رنج از مفهوم مجازات قابل تفکیک نیست و در واقع رنج و تعب است که مشخص

حقیقی مجازات از سایر وسایل انضباطی و مدنی همچون جرایم رانندگی، جبران خسارت

و... است».^۴

^۱ لویس مغلوف، *السنجد فی اللغة و الاعلام* (تهران: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم ۱۳۶۴)، ص ۹۰.

^۲ رضا هوشمنندی، «تعریف کبیر» مقاله مجموعه حقوقی، سال سوم ۱۳۱۹، شماره ۴۱، ص ۱۲۱۸.

^۳ حسن سمیعی، *حقوق جزا* (بی جا): چاپخانه شرکت مطبوعات، مردادماه ۱۳۳۳، ص ۱۲۴.

^۴ عبدالحسین علی آبادی، *حقوق جنایی* (تهران: چاپخانه بانک ملی ایران، چاپ اول ۱۳۵۲)، ص ۰۱.

در قلمرو این فصل، قبل از ورود به بررسی ماهوی عنوان اصلی رساله، به توضیح تعاریف، مفاهیم، ادله و اسباب تحقق تغلیظ دیه خواهیم پرداخت.

مبحث اول - تعاریف و مفاهیم

گفتار اول - مفهوم تغلیظ و دیه

عبارت «تغلیظ دیه» متشکل از دو واژه مستقل و منفک «تغلیظ» و «دیه» می باشد که در یک ساختار واحد و ترکیبی اضافی دلالت بر نوعی خاص از محاسبه دیه در موارد معین شده توسط شارع مقدس دارد. از این رو اگر جهت تبیین موضوع، نگاهی گذرا به معانی لغوی و اصطلاحی آنها داشته باشیم، خالی از وجه نخواهد بود.

بند اول: دیه

حصول علم یقینی بر جایگاه دیه در مابین علوم مرتبطه، تقابلی تنگاتنگ با شناخت معنای لغوی، فقهی و حقوقی آن در وهله اول و سپس بررسی ماهیت آن دارد.

۱. تعریف لغوی

دیه {ی} {ع و ا از ماده و د ی}، اسمی عربی و مفرد دیات است. «ة» آن عوض از واو بوده و به معنای حق مقتول تعبیر می شود.^۱ دیه مالی است که بدل نفس مقتول به ولی او داده می شود و از باب تسمیه به مصدر است. به عبارتی «المالُ الَّذی هُوَ بَدَلُ النَّفْسِ»^۲ در تعریفی دیگر دیه را عبارت از آن چیزی دانسته اند که بابت خون (قتل) پرداخت می شود.^۳

و سرانجام این که در المنجد می خوانیم: «الدیه مایعطی من المال بدل نفس القتیل»^۴ واژه «wergild» در حقوق ژرمن قدیم معادل همان خون بهایی بوده که توسط جانی به مجنی علیه و در صورت مرگ او به خانواده اش پرداخت می شد.

از طرفی عبارت «Compostion» نیز در میان مردم اروپا، خون بهایی بوده که به عنوان

۱. «و دیتُ القتیل دیه» یعنی دیه مقتول را پرداختم، و در حدیث دیگری آمده است: «أَنْ أَخْبَوَا قَادُوا وَأَنْ أَخْبُوا وادوا» یعنی اگر اولیای مقتول خواستند، قصاص کنند و اگر خواستند، دیه بگیرند که در اینجا «وادوا» فعل ما ضی و از باب مفاعله است؛ این منظور، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۵۸.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه فارسی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱)، ج ۷، ص ۱۰۰۷۴.

۳. «یقال اما یعطی فی الدم دیه» راغب اصفهانی، پیشین، ص ۵۵۵.

۴. لویس معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، پیشین، ماده «دیه».

جانشین قصاص، از سوی عامل جنایت به بستگان قربانی داده می‌شود و در همین راستا مردم قبایل انگلیسی زبان نام «Bloodmoney» را برای آن برگزیده بودند.

این ما به ازایی که در صورت ایراد صدمه یا ریختن خون به صاحبان آن پرداخت می‌شود، در نقاط مختلف عالم به تناسب اختلاف زبان، اسامی گوناگونی دارد. برای نمونه در برخی از قبایل صحرای غربی مصر به اسم «سلاک» و در نزد اعراب ساکن صحرای سینا به «مده» و «دلیخه» معروف است.

قبایل عراقی به آن اسم «خشم» اطلاق می‌کنند. و قبایل سومالیایی نام «جر» و سودانی‌ها نام «ابوک» بر آن می‌نهند.

در میان قبایل عرب پیش از اسلام، اسامی «عقل»، «دیه» و «ارش» متداول بوده که قرآن کریم از میان آنها، نام «دیه» را برگزید.^۱

من حیث المجموع، از تمام مطالب نقل شده در کتاب‌های لغت در می‌یابیم که لغت شناسان تمامی اعصار، دیه را به معنای مالی که عوض نفس مقتول، به ولی او داده می‌شود، معنا می‌کنند.^۲

۲. تعریف فقهی

گروهی دیه را در لغت به معنی عَقْل (=مَنَع) دانسته و بر این ادعا تکیه دارند که دیه مانع از خونریزی می‌شود. و گاهی هم دیه را در معنی دم به کار می‌رود که از باب تسمیه مسبب به اسم سبب است و در اینجا مقصود مالی است که در تأدیه‌اش بر شخص آزاد به سبب ارتکاب جنایت بر نفس یا غیر آن واجب می‌شود، خواه مقدار و مبلغ دیه از سوی شارع معین شده باشد یا نه؟^۳

گروهی نیز دیه را مالی می‌دانند که در صورت وقوع جنایت بر نفس و یا اعضای بدن و یا ایراد جرح باید ادا شود. مرحوم فاضل مقداد به هنگام تعریف دیات می‌فرماید:

«هِيَ جَمْعُ دِيَّةٍ بِتَخْفِيفِ الْبَاءِ وَ لَا يَجُوزُ تَشْدِيدُهَا وَ سُمِّيَتْ دِيَّةً لِأَنَّهَا تُؤَدَّى عَوَضًا عَنِ

النَّفْسِ»^۴

۱. عوض احمد ادریس، الدیة بین العقوبة والتعويض (بیروت: دار مکتبة الهلال، ۱۹۸۶ م.)، ص ۳۷.

۲. احمد بن علی الفیومی، مصباح السنیر (قم: دار الهجرة، ۱۴۰۵ هـ ق) ج ۲، ص ۶۵۴.

۳. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.)، ج ۴۲، ص ۲.

۴. جمال الدین مقداد بن عبدالله السیوری، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، تحقیق سید عبد الطیف کوه کمری (قم: کتابخانه آیت الله